

پرسش‌ها و پاسخ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب به اشعری خراسانی حفظه الله تعالی

موضوع:

۱. عقاید؛ شناخت خلفاء خداوند؛ پیامبران
۲. عقاید؛ شناخت خلفاء خداوند؛ پیامبر خاتم؛ ویژگی‌های پیامبر خاتم

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: هادی

تاریخ: ۱۳۹۵/۹/۸

فرق بین نبی و رسول چیست؟ چون نقل‌های متفاوتی در این مورد وجود دارد. آیا پیامبر اسلام خاتم انبیا و مرسلین است؟

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۵/۹/۱۴

بسیاری از مسلمانان می‌پندارند که میان «نبی» و «رسول» تفاوتی مصداقی وجود دارد و این مبتنی بر برداشت آنان از سخن خداوند است که فرموده است: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ﴾^۱؛ «و پیش از تو هیچ رسولی یا نبیی را نفرستادیم مگر اینکه چون آرزو کرد شیطان در آرزویش (مانعی) انداخت»، ولی حق آن است که میان «نبی» و «رسول» تفاوتی مصداقی وجود ندارد، بلکه صرفاً تفاوتی مفهومی وجود دارد و همین برای تفریق آن دو از هم در سخن خداوند کافی است؛ همچنانکه برای جمع آن دو با هم در آن کفایت می‌کند. توضیح آنکه «نبی» و «رسول» در کتاب خداوند، دارای حقیقت شرعی نیستند و در معنای لغوی خود استعمال شده‌اند و با این وصف، «نبی» (از ریشه‌ی نبأ) کسی است که از خداوند پیام می‌آورد و «رسول» (از ریشه‌ی رسل) کسی است که خداوند او را برای رساندن پیام فرستاده است و با این وصف، میان آن دو تفاوتی مصداقی وجود ندارد؛ چراکه از یک سو تعدّد عنوان مستلزم تعدّد معنوی نیست و از سوی دیگر هر پیام‌آوری از خداوند (نبی)، فرستاده‌ای از جانب او (رسول) است و هر فرستاده‌ای از جانب او (رسول)، پیام‌آوری از او (نبی) است؛ چنانکه فرموده است: ﴿وَكَمْ أَرْسَلْنَا مِنْ نَبِيٍّ فِي الْأَوَّلِينَ﴾^۲؛ «و چه بسیار پیام‌آوری که به میان گذشتگان فرستادیم» و فرموده است: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالصَّرَاءِ لَعَلَّهُمْ يَضَّرَّعُونَ﴾^۳؛

۱. الحج / ۵۲

۲. الزخرف / ۶

۳. الأعراف / ۹۴

«و در هیچ قریه‌ای پیام آوری را نفرستادیم مگر اینکه اهلش را به سختی و زیان دچار کردیم تا شاید تضرع کنند»، هر چند میان آن دو تفاوتی مفهومی وجود دارد؛ چراکه یکی با لحاظ پیام آور بودن از خداوند و دیگری با لحاظ فرستاده بودن از جانب او به کار رفته است و این دو مفهوماً با یکدیگر متفاوتند و همین برای جواز جمع آن دو با هم یا تفریق آن دو از هم کافی است؛ چنانکه خداوند میان آن دو جمع کرده و فرموده است: **﴿وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ مُوسَى إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا﴾**؛ «و در کتاب موسی را یاد کن، هرآینه او مخلصی بود و رسولی نبی بود» و فرموده است: **﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ﴾**^۲؛ «کسانی که از رسول نبی امی پیروی می‌کنند» و میان آن دو تفریق کرده و فرموده است: **﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ﴾**^۳؛ «و پیش از تو هیچ رسولی یا نبیی را نفرستادیم مگر اینکه چون آرزو کرد شیطان در آرزویش (مانعی) انداخت» و این مانند سخن اوست که فرموده است: **﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَى فَتْرَةٍ مِنَ الرُّسُلِ أَنْ تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِنْ بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾**^۴؛ «ای اهل کتاب! رسول ما به نزدتان آمده است که برایتان در فترتی از رسولان تبیین می‌کند، تا نگویید که هیچ بشیری یا نذیری به نزد ما نیامد، پس بشیری و نذیری به نزدتان آمد و خداوند بر هر چیزی تواناست»؛ با توجه به اینکه «بشیر» و «نذیر» مصداقاً یکی هستند؛ چنانکه فرموده است: **﴿فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ﴾**^۵؛ «پس خداوند نبی‌ها را به عنوان بشارت دهنده و بیم دهنده برانگیخت» و فرموده است: **﴿وَمَا نُزِّلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ﴾**^۶؛ «و رسولان را جز به عنوان بشارت دهنده و بیم دهنده نمی‌فرستیم»، هر چند مفهوماً با هم متفاوتند و از این رو، **﴿بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ﴾** را در ادامه به **﴿بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ﴾** برگردانده؛ همچنانکه **﴿رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ﴾** را در آیاتی دیگر به **﴿رَسُولًا نَبِيًّا﴾** و **﴿الرَّسُولَ النَّبِيَّ﴾** برگردانده است؛ چراکه «نبی» و «رسول» تفاوتی مصداقی ندارند، بلکه صرفاً تفاوتی مفهومی دارند و از این رو، «انبیاء» و «رسل» در کتاب خداوند، مصداقاً یکی هستند؛ چنانکه همه‌ی آنان را «نبی» نامیده و فرموده است: **﴿مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ﴾**^۷؛ «کسی که به خداوند و روز واپسین و فرشتگان و کتاب و نبی‌ها ایمان آورد» و فرموده است: **﴿فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ﴾**^۸؛ «پس خداوند نبی‌ها را به عنوان بشارت دهنده و بیم دهنده برانگیخت

۱. مریم / ۵۱
۲. الأعراف / ۱۵۷
۳. الحج / ۵۲
۴. المائدة / ۱۹
۵. البقرة / ۲۱۳
۶. الأنعام / ۴۸
۷. البقرة / ۱۷۷
۸. البقرة / ۲۱۳

و به همراه آنان کتاب را به حق نازل کرد تا میان مردم درباره‌ی چیزی که در آن اختلاف کردند حکم کند» و فرموده است: «وَلَا يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّينَ أَرْبَابًا»^۱؛ «و شما را امر نمی‌کند که فرشتگان و نبی‌ها را خدایانی بگیرید» و فرموده است: «إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ»^۲؛ «هرآینه ما به تو وحی کردیم همان طور که به نوح و نبی‌های پس از او وحی کردیم» و فرموده است: «وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَى بَعْضٍ»^۳؛ «و هرآینه برخی نبی‌ها را بر برخی دیگر برتری داده‌ایم» و فرموده است: «أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ»^۴؛ «اینان کسانی از نبی‌ها بودند که خداوند به آنان نعمت داد» و فرموده است: «وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ»^۵؛ «و چون از نبی‌ها میثاقشان را گرفتیم» و فرموده است: «وَجِئْنَا بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ»^۶؛ «و نبی‌ها و شاهدان را بیاورند»؛ با توجه به اینکه مراد از «نبی‌ها» در این آیات، همه‌ی فرستادگان خداوند هستند و کسی «رسولان» را از آنان جدا نکرده است؛ همچنانکه همه‌ی آنان را «رسول» نامیده و فرموده است: «اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ»^۷؛ «خداوند از فرشتگان و از مردم رسولانی بر می‌گزیند» و فرموده است: «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ»^۸؛ «و برای هر امتی رسولی است» و فرموده است: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ»^۹؛ «و هرآینه در هر امتی رسولی برانگیختیم که خدا را پرستید و از طاغوت بپرهیزد» و فرموده است: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ»^{۱۰}؛ «و هرآینه پیش از تو رسولانی را به سوی قومشان فرستادیم، پس با بینات به نزدشان آمدند» و فرموده است: «ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرَىٰ كُلًّا مَّا جَاءَ أُمَّةً رَسُولُهَا كَذَّبُوهُ»^{۱۱}؛ «سپس رسولانمان را پی در پی فرستادیم، هر بار که امتی را رسولش آمد تکذیبش کردند» و فرموده است: «رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ»^{۱۲}؛ «رسولانی بشارت دهنده و بیم دهنده تا برای مردم بر خداوند حجتی پس از رسولان نباشد» و فرموده است: «وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَرُسُلًا لَمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ»^{۱۳}؛ «و رسولانی که داستانشان را پیشتر بر تو خوانده‌ایم و رسولانی که داستانشان را بر تو نخواندیم» و فرموده است:

۱. آل عمران / ۸۰
۲. النساء / ۱۶۳
۳. الإسراء / ۵۵
۴. مریم / ۵۸
۵. الأحزاب / ۷
۶. الزمر / ۶۹
۷. الحج / ۷۵
۸. یونس / ۴۷
۹. النحل / ۳۶
۱۰. الزوم / ۴۷
۱۱. المؤمنون / ۴۴
۱۲. النساء / ۱۶۵
۱۳. النساء / ۱۶۴



﴿تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ﴾^۱؛ «اینان رسولان بودند که برخی‌شان را بر برخی دیگر برتری دادیم» و فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُّوْا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ﴾^۲؛ «هان ای رسولان! از چیزهای پاک بخورید و به درستی عمل کنید؛ چراکه من به آنچه عمل می‌کنید دانا هستم» و فرموده است: ﴿حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوْا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّيَ مِنْ نَشَاءٍ﴾^۳؛ «تا آن گاه که رسولان نومید گشتند و پنداشتند که تکذیب شده‌اند، یاری ما آنان را آمد، پس هر کس را که خواستیم نجات دادیم» و فرموده است: ﴿فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ﴾^۴؛ «پس حتماً از کسانی که به سوی‌شان فرستادیم سؤال می‌کنیم و حتماً از فرستاده شدگان سؤال می‌کنیم» و فرموده است: ﴿يَوْمَ يَجْمَعُ اللَّهُ الرُّسُلَ فَيَقُولُ مَاذَا أُجِبْتُمْ قَالُوا لَا عِلْمَ لَنَا إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ﴾^۵؛ «روزی که خداوند رسولان را گرد می‌آورد، پس می‌فرماید چه پاسخ داده شدید؟ می‌گویند: علمی برای ما نیست، تویی که عالم به غیب‌ها هستی» و فرموده است: ﴿وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَا أُجِبْتُمْ الْمُرْسَلِينَ﴾^۶؛ «و روزی که آنان را ندا می‌دهد، پس می‌فرماید به فرستاده شدگان چه پاسخ دادید؟» و فرموده است: ﴿مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ﴾^۷؛ «هر کس با خداوند و فرشتگانش و رسولانش و جبرئیل و میکائیل دشمن باشد، خداوند دشمن کافران است» و فرموده است: ﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ﴾^۸؛ «هرآینه ما رسولانمان و کسانی که ایمان آوردند را در زندگی دنیا و روزی که شاهدان بر می‌خیزند یاری می‌کنیم» و فرموده است: ﴿كُلَّ آمَنٍ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ﴾^۹؛ «همگی به خداوند و فرشتگانش و کتاب‌هایش و رسولانش ایمان آوردند (و گفتند:) احدی از رسولانش را جدا نمی‌کنیم»؛ با توجه به اینکه مراد از «رسولان» در این آیات، همه‌ی پیام‌آوران خداوند هستند و کسی «نبی‌ها» را از آنان جدا نکرده است!

از اینجا دانسته می‌شود که فرق نهادن میان «نبی» و «رسول» با این تفصیل که «نبی» فرشته را در بیداری نمی‌بیند و «رسول» او را در بیداری می‌بیند، اصلی ندارد و بر خلاف ظاهر آیات قرآن است؛ همچنانکه روایات رسیده با این مضمون، تکلف‌آمیز و متناقض‌اند و بعضاً لفظی را به قرآن می‌افزایند که در آن وجود ندارد؛ علاوه بر اینکه با اجتماع نبوت و رسالت ناسازگارند؛ چراکه بر این اساس، «نبی» نمی‌تواند «رسول» و «رسول» نمی‌تواند «نبی» باشد؛ با توجه به اینکه یا فرشته را در بیداری نمی‌بیند

۱. البقرة / ۲۵۳

۲. المؤمنون / ۵۱

۳. یوسف / ۱۱۰

۴. الأعراف / ۶

۵. المائدة / ۱۰۹

۶. القصص / ۶۵

۷. البقرة / ۹۸

۸. غافر / ۵۱

۹. البقرة / ۲۸۵

که در این صورت «رسول» محسوب نمی‌شود و یا او را در بیداری می‌بینند که در این صورت «نبی» محسوب نمی‌شود، در حالی که خداوند «نبی» و «رسول» را بر همه‌ی پیام‌آوران و فرستادگانش اطلاع کرده و برخی از آنان مانند موسی، اسماعیل و محمد علیهم السّلام را صریحاً **«رَسُولًا نَبِيًّا»** و **«الرَّسُولَ النَّبِيَّ»** نامیده است! با این وصف، معلوم نیست که کدام یک از انبیاء «رسول» نبوده است؛ چراکه خداوند انبیائی مانند الیاس، لوط و حتی یونس علیهم السّلام را نیز «رسول» دانسته و فرموده است: **«وَإِنَّ إِلْيَاسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ»**^۱؛ «و هرآینه الیاس از رسولان بود» و فرموده است: **«وَإِنَّ لُوطًا لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ»**^۲؛ «و هرآینه لوط از رسولان بود» و فرموده است: **«وَإِنَّ يُونُسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ»**^۳؛ «و هرآینه یونس از رسولان بود». خصوصاً با توجّه به اینکه دیدن فرشته در بیداری حتّی برای غیر «نبی» امکان داشته؛ چنانکه مریم علیها السّلام در بیداری با جبرئیل علیه السّلام دیدار و گفت‌وگو کرد^۴ و ساره در بیداری با میهمانان ابراهیم علیه السّلام دیدار و گفت‌وگو کرد^۵ و با این وصف، برای «نبی» به طریق اولی امکان داشته است!

از اینجا دانسته می‌شود که «نبی» و «رسول» دو عنوان متعدّد برای معنوی واحد هستند؛ به این معنا که هر نبیّی رسول و هر رسولی نبی است و با این وصف، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم خاتم انبیاء و مرسلین محسوب می‌شود؛ چراکه هر چند در کتاب خدا تنها **«خَاتَمَ النَّبِيِّينَ»**^۶ دانسته شده است، رسولی غیر نبی وجود ندارد!

البته این به آن معنا نیست که برخی «انبیاء» و «رسل» بر برخی دیگر برتری ندارند؛ چراکه خداوند به روشنی از وجود تفاضل میان آنان خبر داده و فرموده است: **«وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَى بَعْضٍ»**^۷؛ «و هرآینه برخی نبی‌ها را بر برخی دیگر برتری داده‌ایم» و فرموده است: **«تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ»**^۸؛ «اینان رسولان بودند که برخی‌شان را بر برخی دیگر برتری دادیم»؛ همچنانکه به معنای عدم دیدار و گفت‌وگوی آنان با فرشتگان در خواب نیست؛ چراکه دیدار و گفت‌وگوی آنان با فرشتگان در خواب، به طریق اولی ممکن است و هرگاه با بینه‌ای از جانب خداوند برای مردم باشد، کفایت می‌کند، بل به این معناست که آنان چه فرشتگان را در خواب ببینند و چه در بیداری، از آن حیث که پیام‌آوران و فرستادگان خداوند با بینات هستند، «نبی» و «رسول» محسوب می‌شوند و برتری برخی‌شان به معنای عدم رسالت برخی دیگر نیست.

۱. الصّافات/ ۱۲۳

۲. الصّافات/ ۱۳۳

۳. الصّافات/ ۱۳۹

۴. نگاه کنید به: مریم/ ۱۷-۲۱.

۵. نگاه کنید به: هود/ ۷۱-۷۳.

۶. الأعراب/ ۴۰

۷. الإسراء/ ۵۵

۸. البقرة/ ۲۵۳

تعلیقات پرسش‌ها و پاسخ‌های فرعی

تاریخ: ۱۳۹۵/۱۰/۱۱

نویسنده: بهمن سلامی

پرسش فرعی ۱

دیدگاه شما درباره عدم تفاوت مصداقی میان «نبی» و «رسول» بر خلاف روایات اهل بیت است و قابل قبول نیست؛ چون در روایات اهل بیت تأکید شده است که نبی تنها در خواب می‌بیند و رسول در بیداری می‌بیند (اصول کافی، جلد اول، صفحه ۱۷۶). شما که حدیث ثقلین را قبول دارید و به سوی حکومت مردی از اهل بیت دعوت می‌کنید چرا به روایات اهل بیت ملتزم نیستید؟! البته منظورم در این مورد است؛ چون در سایر مواردی که دیدم انصافاً دقت زیادی شده بود و جایی برای خرده گرفتن نبود، ولی در این مورد فکر می‌کنم جای اشکال است.

تاریخ: ۱۳۹۵/۱۰/۱۴

پاسخ به پرسش فرعی ۱

برادر ارجمند!

بی‌گمان شتابزدگی، سهل‌اندیشی و عدم احاطه‌ی علمی بر موضوع از آفات نقد محسوب می‌شوند و به قضاوت نادرست می‌انجامند. با این مقدمه توجه شما را به نکات زیر جلب می‌کنیم:

۱. روشن است که ما حدیث «ثقلین» را قبول داریم؛ چراکه آن حدیثی متواتر است و احادیث متواتر را جز گمراهان انکار نمی‌کنند، ولی حدیث «ثقلین» -چنانکه از نامش پیداست- به سوی دو «ثقل» فرا می‌خواند: کتاب خداوند و اهل بیت پیامبرش و کتاب خداوند را پیش از اهل بیت پیامبرش یاد می‌کند و سپس تأکید می‌فرماید که آن دو از هم جدایی نمی‌پذیرند تا آن گاه که در حوض بر پیامبر وارد شوند. این به معنای آن است که روایات اهل بیت پیامبر نمی‌توانند با کتاب خداوند تعارض داشته باشند و هرگاه با آن تعارض داشته باشند، در صورت امکان، تأویل و در غیر این صورت، حمل بر تقیّه‌ی آنان یا غلط‌راویان یا جعل‌جاعلان می‌شوند و در هر صورت، مجوّزی برای مخالفت با کتاب خداوند از طریق نسخ یا تخصیص یا تعمیم آن نمی‌شوند^۱.

۲. کتاب خداوند، بر همه‌ی کسانی که او به آنان وحی کرده و آنان را به تبلیغ آن و تبشیر و انذار قومشان فرمان داده -قطع نظر از تفاضل‌شان بر یکدیگر- «نبی» و «رسول» اطلاق فرموده است و با این وصف، روایاتی که می‌گویند برخی از آنان «رسول» نبوده‌اند، مخالف با کتاب خداوند محسوب می‌شوند و از این رو، در صورت امکان، تأویل و در غیر این صورت، حمل بر تقیّه‌ی اهل بیت یا غلط‌راویان یا جعل‌جاعلان می‌شوند.

۱. برای آگاهی بیشتر در این باره، بنگرید به: کتاب «بازگشت به اسلام»، ص ۲۰۱ تا ۲۰۳.



۳. بر خلاف پندار جناب عالی، روایات اهل بیت در این باره هماهنگ نیستند، بلکه برخی از آن‌ها برخی دیگر را نقض می‌کنند، تا حدی که کسانی مانند محمد باقر مجلسی (د. ۱۱۱۱ق) در کتاب *مرآة العقول* فی شرح أخبار آل الرسول^۱، جمع میان آن‌ها را «در غایت اشکال» دانسته‌اند! با این حال، برخی از آن‌ها تأیید کننده‌ی دیدگاه ما هستند؛ چنانکه به عنوان نمونه، از امام جعفر بن محمد صادق روایت شده است که فرمود: «**الْأَنْبِيَاءُ وَالْمُرْسَلُونَ عَلَى أَرْبَعِ طَبَقَاتٍ: فَنَبِيٌّ مُنْبَأٌ فِي نَفْسِهِ لَا يَعْدُو غَيْرَهَا وَنَبِيٌّ يَرَى فِي النَّوْمِ وَيَسْمَعُ الصَّوْتَ وَلَا يُعَايِنُهُ فِي الْيَقَظَةِ وَلَمْ يُبْعَثْ إِلَى أَحَدٍ وَعَلَيْهِ إِمَامٌ مِثْلُ مَا كَانَ إِبْرَاهِيمَ عَلَى لُوطٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَنَبِيٌّ يَرَى فِي مَنَامِهِ وَيَسْمَعُ الصَّوْتَ وَيُعَايِنُ الْمَلَكَ وَقَدْ أُرْسِلَ إِلَى طَائِفَةٍ قُلُوبًا أَوْ كَثُرُوا كَيُونُسَ قَالَ اللَّهُ لِيُونُسَ: ﴿وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَى مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ﴾ قَالَ: يَزِيدُونَ ثَلَاثِينَ أَلْفًا وَعَلَيْهِ إِمَامٌ وَالَّذِي يَرَى فِي نَوْمِهِ وَيَسْمَعُ الصَّوْتَ وَيُعَايِنُ فِي الْيَقَظَةِ وَهُوَ إِمَامٌ مِثْلُ أُولَى الْعِزْمِ ...»**»^۲؛ «انبياء و رسولان بر چهار طبقه هستند: نبی که در رابطه با خودش نبوت دارد و (نبوتش) شامل دیگران نمی‌شود و نبی که در خواب می‌بیند و صدا را می‌شنود و (فرشته را) در بیداری مشاهده نمی‌کند و به سوی احدی فرستاده نشده است و برای او امامی است مانند اینکه ابراهیم برای لوط علیه السلام بود و نبی که در خوابش می‌بیند و صدا را می‌شنود و فرشته را مشاهده می‌کند و به سوی گروهی اندک یا بسیار فرستاده شده است، مانند یونس که خداوند درباره‌ی او فرموده است: <و او را به سوی صد هزار نفر یا بیشتر فرستادیم> و سی هزار نفر بیشتر بودند و برای او امامی است و کسی که در خوابش می‌بیند و صدا را می‌شنود و در بیداری مشاهده می‌کند و او امام است مانند اولى العزم...». این روایت -صرف نظر از اشکالات فراوانی که مانند سایر روایات این باب دارد- بر اشتراک انبیاء و رسولان در «نبی» بودن و «رسول» بودن با وجود تفاوت‌هایشان در نحوه‌ی دریافت وحی دلالت می‌کند؛ همچنانکه به سند صحیح از امام ابو جعفر باقر روایت شده است که فرمود: «**الْأَنْبِيَاءُ عَلَى خَمْسَةِ أَنْوَاعٍ: مِنْهُمْ مَنْ يَسْمَعُ الصَّوْتَ مِثْلَ صَوْتِ السَّلْسَلَةِ فَيَعْلَمُ مَا عَنَى بِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ يُنَبِّئُ فِي مَنَامِهِ مِثْلَ يُوسُفَ وَإِبْرَاهِيمَ وَمِنْهُمْ مَنْ يُعَايِنُ وَمِنْهُمْ مَنْ يُنْكِتُ فِي قَلْبِهِ وَيُوقِّرُ فِي أَذُنِهِ**»^۳؛ «انبياء بر پنج نوع هستند: برخی از آنان صدا را مانند صدای زنجیر می‌شنوند پس می‌دانند که معنای آن چیست و برخی از آنان در خوابشان نبی می‌شوند مانند یوسف و ابراهیم و برخی از آنان (در بیداری) مشاهده می‌کنند و برخی از آنان در دلشان می‌افتد و به گوششان می‌رسد». روشن است که این دسته از روایات اهل بیت با عموم و اطلاق کتاب خداوند مطابقت دارند و از این رو، بر دسته‌ی دیگر ترجیح داده می‌شوند و این مقتضای قاعده در باب روایات متعارض است.

۱. *مرآة العقول* فی شرح أخبار آل الرسول للمجلسی، ج ۲، ص ۲۸۹

۲. *بصائر الدرجات* للصفار، ص ۳۹۳؛ *الکافی* للکلینی، ج ۱، ص ۱۷۴

۳. *بصائر الدرجات* للصفار، ص ۳۹۰؛ *تفسیر العیاشی*، ج ۲، ص ۱۶۶

۴. روایاتی که میان «نبی» و «رسول» فرق نهاده اند، پیش از سقوطشان به خاطر تعارض با کتاب خداوند و با روایاتی که میان آن دو فرق نهاده اند، قابل تأویل هستند؛ چراکه می توان گفت در مقام بیان آنند که برخی انبیاء و رسولان، وحی را در خواب و برخی دیگر در بیداری دریافت می کردند، یا در مقام بیان آنند که مراد از «نبی» و «رسول» در خصوص آیهی ﴿مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ﴾^۱ و نه در آیات دیگر این است و این بهترین تأویل است، یا در مقام وضع اصطلاحی جدید برای دو گروه از رسولانند که «حقیقت متشرعه» محسوب می شود، یا در مقام دادن پاسخی جدلی و متناسب با عقل مخاطب به منظور رفع شبهه‌ی او درباره‌ی آیه هستند که بعید نیست و نمونه‌های مشابهی در روایات کلامی اهل بیت دارد، ولی در صورتی که هیچ یک از این تأویل‌ها قابل قبول نباشد، چاره‌ای جز جعلی دانستن یا محرف دانستن این روایات باقی نمی ماند و در این صورت پیداست کسانی که در پی «فرق تراشی» میان انبیاء و رسولان از طریق جعل یا تحریف روایات بوده اند، به توالی و تبعات کار خود آگاهی نداشته اند، در حالی که فرق نهادن میان انبیاء و رسولان توالی و تبعات خطرناکی دارد و می تواند برخی اخبار و احکام خداوند درباره‌ی آنان را در اجمال و شبهه فرو برد؛ چنانکه به عنوان نمونه، کسانی مانند بهاییان که از رسولانی دروغین پیروی می کنند، به همین فرق موهوم و ساختگی تشبث می جویند و می گویند که عنوان ﴿خَاتَمُ النَّبِيِّينَ﴾ در قرآن^۲، دلالتی بر ختم «رسالت» ندارد و تنها ختم «نبوت» را اثبات می کند، در حالی که میان «نبی» و «رسول» در قرآن، فرقی مصداقی وجود ندارد و فرق میان آن دو تنها مفهومی است؛ همچنانکه حکم ﴿فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ﴾^۳؛ «پس به خداوند و رسولانش ایمان آورید» و حکم ﴿وَاطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ﴾^۴؛ «و از خداوند و رسول اطاعت کنید» در آن، شامل هر دو گروه می شود و به گروهی از آنان که وحی را در بیداری دریافت می کردند اختصاص ندارد.

حاصل آنکه انبیاء و رسولان، در اصل «نبی» و «رسول» بودن با یکدیگر مشترکند، ولی در نحوه‌ی دریافت وحی با یکدیگر تفاوت دارند؛ به این ترتیب که بسیاری شان با وجود «نبوت» و «رسالت»، وحی را در خواب دریافت می کردند و در بیداری دریافت نمی کردند و روشن است که مقام آنان از مقام انبیاء و رسولانی که آن را در بیداری دریافت می کردند، پایین تر بود و این مصداق فضیلتی است که خداوند برخی انبیاء و رسولان را بر برخی دیگر داده و درباره‌ی آن فرموده است: ﴿تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللَّهُ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ﴾^۵؛ «اینان رسولان بودند که برخی شان را بر برخی دیگر فضیلت دادیم، از آنان کسانی بودند که خداوند (با آنان) سخن گفت و درجات برخی شان را بالا برد» و فرموده است: ﴿وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَى بَعْضٍ

۱. الحج/ ۵۲

۲. الأحزاب/ ۴۰

۳. آل عمران/ ۱۷۹

۴. آل عمران/ ۱۳۲

۵. البقرة/ ۲۵۳

وَأَتَيْنَا دَاوُودَ زَبُورًا؛ «و هرآینه برخی انبیاء را بر برخی دیگر فضیلت دادیم و به داوود زبور دادیم» و این دلیل بر آن است که شنیدن سخن خداوند و داشتن کتاب، فضیلتی برای برخی از آنان نسبت به برخی دیگر بوده است.



پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصو‌هاشمی خراسانی
مجلس آگاهان حکماء و مشائخ

